

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

زمان: پنجشنبه ۲۸ اسفند سال ۱۳۹۹

عنوان: نوروز ۱. جایگاه نوروز در فضاهای شهری

سلسله نشست‌های نوروز: ۱. جایگاه نوروز در فضاهای شهری ۲. جایگاه نوروز در فضاهای مسکونی

اعضای میزگرد: دکتر علیرضا بندرآباد، دکتر ولی ... شالی و مهندس پیام فروتن

دبیر میزگرد: دکتر محمدمحمودی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

محمودی: سلام عرض می‌کنم در آخرین روزهای پایانی سال هستیم. صد و پنجاه و پنجمین نشست و آخرین نشست امسال است و پیشاپیش سال نو را تبریک عرض می‌کنم. دو نشست داریم با موضوع جایگاه نوروز در فضاهای شهری و نشست بعدی ما در اوایل سال بعد با عنوان جایگاه نوروز در فضاهای مسکونی خواهد بود. همه می‌دانیم که این روزها که یک روز تا پایان سال باقی مانده است با وجود اینکه همه جای جهان به دلیل شرایط کرونا متفاوت بوده، ولی فضاهای شهری تغییر شکل داده و حال و هوای دیگری را پیدا کرده و دلیل آن نوروز ایرانی هست. تقویم جلالی تنها تقویمی است که در جهان با آغاز بهار شروع می‌شود و نوروز ایرانی است. دو نشستی که اشاره کردم در خدمت سه بزرگوار هستیم جناب آقای دکتر علیرضا بندرآباد، جناب آقای دکتر ولی ... شالی و جناب آقای مهندس پیام فروتن که در این دو نشست هر سه بزرگوار صحبت می‌کنند. در خصوص جایگاه نوروز در فضاهای شهری و بعدی که اوایل فروردین خواهد بود در خصوص جایگاه نوروز در فضاهای مسکونی.

ضمن تبریک سال نو به شما بزرگواران، بحث را با جناب آقای دکتر بندرآباد آغاز می‌کنیم. بفرمائید چرا حال و هوای فضاهای امروز که می‌بینیم تغییر کرده و فقط بحث اقتصادی ندارد و بحث اجتماعی دارد. چرا فضاها اینقدر تغییر کرده است و چه وجه مشترکی بین فضاهای شهر تهران و شهرهای دیگر وجود دارد؟ وجه مشترک از نظر فضای شهری چیست؟

بندرآباد: خدمت اساتید بزرگوار عرض سلام دارم. امیدوارم که سال جدید را به خوبی آغاز کنید و نتایجی که در سال ۹۹ داشتیم را نداشته باشیم. اگر بخواهیم از بعد شهرسازی به قضیه بپردازیم من دوست دارم وارد دو نوع بحث شوم. ابتدا در پاسخ به سوال شما که الان این فضاهایی که ما داریم چه ویژگی‌هایی پیدا می‌کنند و دوم اینکه فضاها چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و اگر این ویژگی‌ها را ندارند دلیل و ریشه آن چه چیزی هست؟ که البته درباره اولی صحبت می‌کنم و دومین را می‌گذاریم هر زمان که توانستید بحث خواهیم کرد.

در قسمت اول از آنجایی که همه اساتید مستحضر هستند بحث نوروز بر مبنای تقویم جلالی شکل گرفته و دقیقاً با شروع فصل بهار است و فلسفه آن هم همان نو شدن طبیعت است. آنچه که ما تغییر در فضای شهری می‌بینیم البته اگر در شهر مدرن امروزی ما خیلی بتوانیم اسم آن را فضای شهری بگذاریم و واجب آن ویژگی‌های فضای شهری باشد. این تغییر ناشی از حضور بیشتر طبیعت از یک طرف و سمبل‌هایی هست که به عنوان عید نوروز می‌شناسیم. جلوه‌هایی از این سمبل‌ها را در فضاهای شهری می‌بینیم و از طرف دیگر یک مقداری تغییر رفتار محیطی را از طرف شهروندان که این تغییر رفتار محیطی از آرایش فضای شهری توسط طبیعت، یعنی عناصر طبیعی مثل گیاهان سبزه ... است گرفته تا تغییر رفتار ناشی از کسانی که سعی می‌کنند به نوعی هنرهای خیابانی داشته باشند، یا آیین‌های سنتی را به گونه‌ای به دیگران نشان دهند و سعی کنند افراد را در این قضایا شرکت دهند. البته اگر صرف نظر از امسال که ویژگی‌هایی دارد و کرونا بر فضای شهرمان حاکم است، ما به طور کلی به دو صورت یکی نو شدن فضاها، یعنی نو شدن آنچه به

عنوان مبلمان موقت فضای شهری می‌بینیم و دیگری تلاش برخی از شهروندان برای نشان دادن رفتار محیطی ناشی از گرامیداشت یک سنت و آئین.

محمودی: گفتید که حضور طبیعت، همین نوروزمان بسیار قوی‌تر می‌شود. آن سمبل‌هایی که از آئین نوروزی است که خیلی از آنها به طبیعت برمی‌گردد و در آن قرار گرفته و فعالیت مردم که خودشان را برای نوروز آماده می‌کنند و آن حال و هوا در فضا به وجود می‌آید. آقای دکتر شالی نظرتان همین است؟

شالی: عرض سلام خدمت دو بزرگوار عزیز مهندس فروتن و دکتر بندرآباد و خسته نباشید به شما آقای دکتر محمودی، پیشاپیش سال نو مبارک و امیدوارم سال ۱۴۰۰ سال خوبی باشد و از دست کرونا راحت شویم و بتوانیم سال بعد برنامه نوروز را کنار هم برگزار کنیم.

ما اگر بخواهیم نوروز را مثل آئین‌ها به لحاظ نمایش بررسی کنیم، بخش عمده آن به رویکرد جامعه‌شناسی برمی‌گردد و آن مشارکت جمعی و آن روحیه ایرانی‌ها و آن سبک و سیاق زندگی مشارکتی آنها باید بررسی کنیم. ما اگر نوروز را تا الان داریم به خاطر آن روحیه جمعی بوده و آن حس مشارکت و همدلی در یک رویداد آئینی است. مطمئناً این برگرفته از همان طبیعت هست همان طوری که گفتیم می‌توانیم بگوییم نوروز، انسان + طبیعت است. طبیعتی که انسان در آن حضور داشته، درونش وجود داشته و حالا الان روحیه‌اش را به این شکل جشن می‌گیرد. ما اگر بخواهیم این تقسیم‌بندی را انجام دهیم این که من به سه قسمت تقسیم می‌کنم که این مراسم‌ها که یک سری برای اولین روز عید هست که برای اینکه تیرگی و آلودگی‌ها که مردم آماده می‌کنند برای چنین رخداد بزرگی همه جا را پاک می‌کنند قبل از نوروز خانه تکانی می‌کنند، لباس نو می‌خرند و فضای زندگی‌شان را نو و آماده و پاکیزه می‌کنند.

برای رسیدن به بهار، در مرحله بعد همان لحظه سال تحویل را داریم و آن ۱۲ روزی که ما آنجا قرار داریم و بعد تقسیم‌بندی که به پایان و روز ۱۳ فروردین می‌رسیم. ما در ایران مناطقی داریم که در سال ۹۹ هم برگزار شد، در یک منطقه خیلی وسیع در سال ۹۸ با شکوه‌تر برگزار شد. وقتی حرف از مشارکت می‌شود نیاز به یک فضای بزرگتر و یک فضایی که از قبل مشخص شده دارید. در روستاها معمولاً در میدان‌گاه‌ها، در فضاهای مرکزی روستاها برگزار می‌شد و در قبل‌تر در شهرها و حتی در اواخر دوره قاجار هم مثل تهران و اصفهان داشتیم. در اصفهان در میدان نقش جهان مراسم نوروز برگزار می‌شود یعنی نه اینکه آن میدان و آن فضا فقط برای نوروز بوده نه برای اکثر آئین‌ها و جشن‌ها و حتی سوگواری‌هایشان از آن فضا استفاده می‌کردند. پس فضای مشخصی را برای این نمی‌توانیم در نظر بگیریم. حالا الان که اوضاع امروزی شهر خیلی ضعیف‌تر هست ما این حضور را کمتر داریم. البته این را عرض کنم همچنان در شهرهای کوچک این اتفاق و رویداد غیر از مسائل کرونا انجام می‌شود منتهی همه اینها آن روحیه مشارکتی را نیاز دارند که ما باید بیشتر از گذشته فراهم کنیم. مطمئناً آن چیزی که در مشارکت و همدردی و در شروع سال جدید به آن خواهیم رسید در طول سال این همت و این همکاری و مشارکت در زندگی مردم و کارهایشان به وفور دیده می‌شود.

محمودی: جالب بود اشاره‌ای که کردید پشت سر گذاشتن تقریباً بدی‌ها و ناامیدی‌ها و شروع پاکی و خوبی‌ها برای لحظه نوروز و اشاره جالب اینکه بعضی جاها به جای ۱۳ به در، ۵۰ به در هم دارند، بنابراین هنوز هم این مراسم مختلف در جاهای مختلف سرزمین ایران ادامه دارد. مشترکاتی دارد و بعضی از جاها با هم متفاوت است. لازم است من اشاره کنم از دوستانی خواستیم در شهرهای مختلف طی چند دقیقه پیام‌هایی را برای ما ارسال کنند و توضیحاتی درباره اینکه در زمان نوروز چه برنامه‌هایی اجرا می‌شود؟ چه لباسی پوشیده می‌شود؟ درباره مراسم و آیین شهرها ما را آشنا کنند که قسمت‌هایی را در لابه‌لای صحبت‌ها برای شما به نمایش خواهیم گذاشت. جناب آقای مهندس فروتن نظر شما چیست؟ واقعاً آن فضاها مشترک است یعنی درست است که نوروز هست دوستان اشاره کردند به خاطر طبیعت، آیین‌ها و به خاطر سمبل‌های نوروزی است ولی چرا یک جاهای خاصی را مردم انتخاب می‌کنند و مشترکات این فضاها چیست؟

فروتن: من هم سلام عرض می‌کنم جناب آقای دکتر محمودی، دکتر شالی و دکتر بندر آباد سال نو را پیشاپیش تبریک می‌گویم

و همچنین به مخاطبان این برنامه و به عزیزانی که در سال ۹۹ عزیزان خودشان را به خاطر ویروس کرونا از دست دادند تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم سال ۱۴۰۰ سالی خوبی برای همه باشد.

فکر می‌کنم در درجه نخست خودمان را با یک کانسپت به نام شادی روشن کنیم یعنی برای اینکه به یک فهم مشترک و یک درک مشترک برسیم، در میان مردم از یک سو و متولیان امور شهری از سوی دیگر و یک نظام وسیع‌تری که مثل نظام اجتماعی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی و یا هر چیزی که بخواهیم عنوان کنیم ما باید به یک معنی مشترک از شادی برسیم. من تصورم این است که امروزه معنای شادی متفاوت شده است یعنی شادی در میان مردم یک معنایی دارد، جنبه‌های بروز و بیانش معنای دیگری پیدا کرده و در بین مسئولین شهری یک معنایی دارد. حتی بین شهردار و شورای شهر هم این تفاوت وجود دارد یعنی یک فهم مشترک وجود ندارد بین مقامات دیگر معنای دیگری وجود دارد. در نتیجه وقتی شاهد چنین تشتتی در معنای محصول نوروز هستیم که شادی است من تصور می‌کنم هرگونه جلوه سازی نوروز در این ایام در سطح شهر به یک دستی نمی‌رسد، به یک هارمونی نمی‌رسد و هر کس از ظن خود شد یار من، کار خودش را می‌کند. در حالی که در قدیم به ظن من این طور نبود یعنی اینکه برخی از معانی در بین همگان واژه‌های مشترک بود و این واژه‌های مشترک بود که محصول تولید می‌کرد. حالا این محصول می‌تواند محصولات فیزیکی، محصولات شهری یا تزئینی باشد. تصور من این است که ابتدا باید این مفهوم را تعریف کنیم که در بخش بعدی بیشتر توضیح خواهم داد.

محمودی: در صحبتی که کردید شادی کمتر تغییر شکل داده است و گروه‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارند. صحبت را ادامه با آقای دکتر بندرآباد می‌دهیم که آیا این اشاره‌ای که مهندس فروتن داشتند که مردم یک نگاه دیگری را با شادی دارند و شاید مسئولین طور دیگری، مسئولین شهرداری و شورای شهر هم طور دیگر ببینند. من سوالم را اینطوری مطرح می‌کنم که آیا فضاها تأثیرگذار نیست یعنی اینکه همان فرد در فضاهای قدیمی شادی را به گونه دیگری برگزار می‌کند و همان فرد در یک فضای جدید شهری و مدرن طور دیگری برگزار می‌کند.

یک کار تحقیقاتی در ژاپن در فضای شهری که دو نفر که همدیگر را نمی‌شناسند انجام شده است. اگر در یک محله بسیار با ارزش عبور کنند و از همدیگر سوال کنند ساعت چند هست به هم جواب می‌دهند ولی همین دو نفر در فضای شهری که فاقد ارزش فضای شهری باشد عبور کنند جواب همدیگر را نمی‌دهند و رد می‌شوند. یعنی فضا بسیار تأثیرگذار است. سوال من این است آیا در محلات قدیمی این مراسم بهتر می‌تواند برگزار شود؟ بله، همیشه در فضاهای قدیمی با ارزش گذشته، نوروز را خیلی زیبا برگزار می‌شود و مردم هم بسیار فعال هستند و با آن حال و هوای فضا شکل می‌گیرد ولی در فضاهای مدرن امروزی که ما طراحی کردیم و ساختیم آن شکلی جواب نمی‌دهد. آیا اشتباه فکر می‌کنم لطفاً شما نظراتان را بفرمائید.

بندر آباد: سوال خوبی است منتهی قبل از آن درباره صحبت‌های آقای مهندس فروتن بگوییم که فرمودند ما به یک کانسپت مشترک به نام شادی باید برسیم، در مورد سوال شما ما باید به یک تلقی ذهنی اجتماعی از فضای شهری برسیم که اصلاً تعریف فضای شهری چیست و این فضای شهری برای این شکل می‌گیرد که الزاماتی را باید داشته باشد. اگر الزامات کالبدی برای آن مطرح باشد یک نتایجی را به ما خواهد داد، اگر الزامات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هم در کنارش قرار بگیرد نتیجه دیگری خواهد داشت. دلیل اینکه ما در فضای قدیمی ممکن است چیزی بیشتر از فضای مدرن ببینیم دلیلش این است که مردم در آن فضاها به دنبال ردپای تلقی ذهنی قدیم از فضای شهری می‌گردند یعنی آن مباحث اجتماعی، فرهنگی را درونش جست‌وجو می‌کنند که ممکن است رفتارشان را در آنجا یک مقدار تحت تأثیر کالبد قدیمی قرار دهند. ولی خود کالبد به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. حال مثال عرض می‌کنم ما اگر بخواهیم نگاه کنیم ببینیم همین بحث نوروز در فضای شهری در طول تاریخ چگونه بوده است چون یک بحث تاریخی است و این نوروز یک سنت چند هزار ساله است که به ما رسیده و طبیعتاً فارغ از تاریخ نمی‌توان درباره آن صحبت کرد. ما اگر به تاریخ نگاه کنیم از زمان هخامنشیان که به صورت عمومی این جشن برگزار می‌شد. آنها جشن را به صورت عمومی درون تخت جمشید برگزار می‌کردند و باز یک عامل بزرگ را می‌بینم که عامل حکومتی است. یعنی عاملی که گردانندگان جامعه و حکومت این اراده را دارند که این اتفاق درون فضای عمومی بیفتد. همین طور که جلوتر می‌آییم فراز و فرودهایی را در تاریخ ایران مشاهده می‌کنم. اما این

در تاریخ ما یک اوج دارد و این اوج دوران صفوی است. شما در دوران صفوی می‌بینید خود حکومت صفوی به دنبال ایجاد یک دولت و ملت شیعه‌ای است که از پس این ایدئولوژی به یک وحدت ملی برسد و در این قضیه جست‌وجوی وحدت ملی می‌کند. ابتدای کار برای رسیدن به این وحدت ملی شروع به طراحی شهری می‌کند، اصفهان جدید را می‌بینید که در آن دوره شکل می‌گیرد و ما چیزی به عنوان مکتب اصفهان در شهرسازی داریم یعنی بحث خیابان، میدان، گذرهای اصلی، چهارباغ، سی و پل، پل خواجه و خود میدان نقش جهان با آن عناصر درونش در این دوره شکل می‌گیرند و تحت آن ایدئولوژی که می‌خواهد وحدت ملی را از طریق حضور در فضای شهری مسیر کند و بعد برای پویا کردن این فضا ما چه می‌خواهیم کنیم؟ برای پویا کردن این فضا از یک سری آئین از جمله آئین نوروز پشتیبانی می‌کند یعنی اگر در سفرنامه‌هایی که نوشته شده به بحث نوروز اشاره می‌کند که در فضای شهری است که در دوران صفویه خیلی پر رنگ شکل می‌گیرد و مردم بسیار مشارکت دارند. حالا درست است که با محوریت حکومت هست ولی مردم بسیار مشارکت دارند، حتی جشن‌هایی را می‌بیند که امروز شاید در فستیوال‌های اروپایی ممکن است ببینند. مثلاً از جشنی به نام آب پاشان که مردم در فضای شهری به هم آب می‌پاشند و جنب‌وجوش بسیاری دارند که عده‌ای هم شاید زیر دست و یا زخمی شوند یا جشنی به نام جشن گل سرخ یا جشن عید قربان را می‌بینیم. دولت صفوی بسیار به آن می‌پردازد و این همان اضافه کردن مولفه‌ها و روح اجتماعی و فرهنگی به کالبد فضای شهری است یعنی کالبد فضای شهری که طراحی شده و بعد وقتی از این اوج فاصله می‌گیرد در این دوره ابتدا پایین آمدن را داریم بعد وقتی وارد دوره قاجار می‌شویم می‌بینیم دوره قاجار با این وحدت ملی کاری ندارد یعنی خودش را بی‌نیاز می‌بیند، اگر چه در تهران یک سری کارهایی را می‌کند اما بستر را عوض کرده است. بستر را از اصفهان عوض می‌کند و به تهران انتقال می‌دهد. تهرانی را شکل می‌دهد که دیگر هیچ فکر طراحی برایش نشده است و بر مبنای یک روستایی که بزرگ شده شکل گرفته است یعنی آن استخوان بندی اولیه است و کارهایی مانند میدان ارگ یا میدان توپخانه یا میدان عشق می‌شود که بیشتر جنبه و کالبد نظامی دارند. یک سری مراسم‌های نظامی درونشان انجام می‌شود خصوصاً میدان ارگ که ورود به آن، در آن دوره آزاد نیست و این کار کنترل شده انجام می‌شود، میدان توپخانه که بعداً ساخته شد و مراسم‌هایی که درونش انجام می‌شد بسیار محدود بود. بازار دست فروشی در میدان توپخانه آن زمان بوده است. زمانی که ناصرالدین شاه می‌خواست از بیلاق و قصر خارج از شهر به قصر داخل شهر بیاید و مسیرش از آنجا می‌گذشت می‌آمدند فراشان دربار ناصرالدین شاه با چوب و چماق مردم را می‌زدند که آنجا خالی و خلوت شود که سلطان می‌خواهد عبور کند و به کاخش برود. بنابراین دو تا تلقی متفاوت اینجا از فضای شهری می‌بینید یعنی مفهوم اینجا تغییر می‌کند. تلقی ذهنی اجتماعی همان کانسپت، اینکه در فضای شهری چه کارهایی می‌شود کرد اینجا تغییر می‌کند. دولت حکومت قاجار دنبال این نیست که مراسم جشن به آن معنا برگزار کند. گرچه به صورت سمبلیک همان توپ را شلیک کردن در زمان سال تحویل از دوره صفوی شروع شده بود را ادامه می‌دهد ولی به آن معنا آئین شادی را برگزار نمی‌کند بلکه بیشتر آئین‌های عزاداری مذهبی را برگزار می‌کند و تلقی را از فضای شهری تغییر می‌دهد. اما بعد از آن ما می‌رسیم به قسمت سوم که با ورود مدرس به ایران مواجه می‌شویم و می‌خواهد مدرنیسم را به صورت دستوری کاملاً وارد فضای شهری کند که در دوران پهلوی هم این اتفاق افتاد. بعد از اینکه وارد می‌شود بسیاری از آن مراسم‌ها ممنوع و منسوخ می‌شود و حتی آن جشن آب پاشان هم در دوره قاجار از بین می‌رود چون دیگر کسی تشویق نمی‌شود این کار را انجام بدهند. به همین خاطر است شما تلقی‌های اجتماعی را در دوره‌های مختلف از بحث فضای شهری و در نتیجه آنچه که می‌تواند در فضای شهری اتفاق بیفتد را می‌بینیم تغییر کرده است. چرا من این بحث تاریخی را مطرح کردم چون فضای شهری ما میراث دار یک چنین دگردیسی‌هایی است. در حال حاضر هم بحث اقتصادی آمده و در این مسئله قاطی شده است و به اصطلاح ما با شهری مواجه هستیم که بسیار بزرگ شده است و هر متر زمین آن به لحاظ اقتصادی ارزشمند است و دیگر از طرف مدیریت شهری علاقه‌ای وجود ندارد که فضای باز شهری یا فضای گشوده و امثال آن اتفاق بیفتد.

آن مثالی که شما فرمودید در ژاپن در بعضی از فضاها مردم به راحتی می‌ایستند و صحبت می‌کند و بعضی از فضاها ممکن است جواب همدیگر را هم ندهند به خاطر آن تلقی اجتماعی است از فضای شهری است که اینجا فضای شهری است و آنجا فضای گذر است. فضای شهری با فضای گذر در آن فرهنگ از همدیگر متفاوت هستند. منتهی ما الان در حال حاضر میراث دار ملقمه‌ای هستیم که خیلی نمی‌دانیم به چه چیزی فضای شهری بگوییم، آیا خیابان که محل گذر است هم فضای شهری است؟ بله در جایی که میدان

نداریم یا میدان و پلازا به ندرت داریم اینها طبیعی است که یک جایی هم خیابان باید جای آنها را بگیرد.

آن خیابانی که محل گذر است و فعالیتی که درونش انجام می‌شود یک فعالیت خطی است نه یک فعالیت کانونی. آیا این فعالیت خطی می‌تواند واجد برگزاری تمام مراسم‌های ما باشد؟ یا جواب خیر است. بنابراین ما اینجا با یک سری مشکلاتی در فضای شهری روبرو هستیم که از جنبه‌های مختلف آن ساپورت لازم برای انجام مراسم‌های مختلف نمی‌شود. در مورد تلقی مدیران شهری از این قضیه مهندس فروتن هم اشاره فرمودند. هر کدام سهم خودشان را در ساپورت کردن آن فرهنگ دارند. یک بخشی هم فرهنگ خود مردم است چون فرهنگ ما اصولاً یک فرهنگ درون گراست. در فرهنگ درون گرا هم برای اینکه در فضای شهری یک فرهنگ درون گرا بخواهد موفق باشد باید تشویق شود یعنی باید یک مشوق‌هایی وجود داشته باشد که این فرهنگ درون گرا خودش از اندرونی بیرون بیاورد و در فضای شهری جشن و شادی و فستیوال داشته باشد. در غیر این صورت ادامه آن چیزی که در دوران قاجار پیگیری کرد می‌شود یعنی جشن جلوه درونی داشته باشد و مسائلی مثل آئین‌های مذهبی که اکثراً منطبق با مراسم‌های عزاداری هستند جلوه‌های بیرونی دارند. چرا؟ چون آنها در فضاهایی که می‌توانند فعالیت خطی داشته باشند هم قابل عمل کردن هستند اما جشن‌ها بیشتر فعالیت کانونی می‌خواهند که این فعالیت کانونی وقتی بسترش فراهم نیست تشویق هم نمی‌شوند. حالا در آن فضای قدیمی به دلیل اینکه از قبل فکر کرده بودند و تلقی فعالیت‌های کانونی را برای چنین جشن‌هایی داشتند خوب طبیعی است بسترش فراهم می‌شود یک جاهایی حال و هوای بهتری خواهد بود. در حال حاضر در مجموع شهر مدرن امروزی ما فهم مشترک و تلقی ذهنی اجتماعی مشترک از فضاهای شهری آن طوری که در متون شهرسازی بیگانه تحت عنوان ارونست بیس و پابلیک بیس نام می‌بریم وجود ندارد.

محمودی: آقای دکتر ابتدای صحبت گفتید در بحث فضای شهری فقط نمی‌توانیم با دید کالبدی نگاه کنیم باید جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن را هم ببینیم. یک مسیری را در گذشته تعریف کردید و به دوره صفویه رسیدید و آن میدان نقش جهان که واقعاً این میدان هم حاکم مردم را می‌دید و هم مردم آنجا جشن نوروز می‌گرفتند. وقتی به دوره قاجار رسید، فاصله‌ها بیشتر شد، حاکم مسیر خودش را رفت و فضاهای شهری تقریباً فراموش شد یعنی از نظر کالبدی هم ساخته نشد و به وجود نیامد یا اگر به وجود آمد آن حال و هوایی که برای عابر پیاده و مردم داشته باشد دیگر نداشت و تغییر شکل داد. بعد اشاره کردید به دوران معاصر به مدرنیسم که دیگر بدتر شد و هیچ جایگاهی هم نبود و فاصله‌ها بسیار قطع شد. آقای دکتر شالی، در فضای قدیمی که اشاره شد که چطور فضایی بود و با ارزش بود در دوران‌هایی مختلف افراد هم در نوروز جایگاه خودشان را داشتند یعنی در میدان نقش جهان هم حاکم آن بالا بود و از آنجا میدان را نگاه می‌کرد ولی خود میدان نقش جهان که یک میدان مستطیل کشیده است برای نوروز جایگاه پیشکوتان و بزرگان کاملاً مشخص بود تا به فضاهای شهری کوچک‌تر برسد که در خیلی از شهرها وجود داشته است. امروزه چنین چیزی نیست یعنی فضاهای شهری طوری طراحی شده که جایی برای تعاملات اجتماعی ندارد. حالا اگر فرض کنیم برای تعاملات اجتماعی هم مثل نوروز به وجود بیاید آیا جایگاه‌ها مشخص است؟

شالی: همین چند سال گذشته را مرور کنیم. قبل از کرونا مسافرت به شهرهای مختلف بود و در استان‌های مختلف شهرداری، فرمانداری و استانداری تلاش می‌کردند فضای شهر را متفاوت کنند. در مورد عامل حکومتی، آن بحث هم می‌شود گفت زیبایی شهر بود که شمار وارد شهر می‌شوید. المان‌ها و نشانه‌ها در میدان‌ها در میدان‌های ورودی شهر وجود داشت که یا سفره‌های هفت سین یا نشانه‌هایی از فرهنگ ایرانی بود که شما مشاهده می‌کردید که مسافران کنار این نشانه‌ها به عنوان یادگاری عکس می‌گرفتند. منتهی اینها آنچه درباره نوروز صحبت می‌کنیم نیست یعنی دقیقاً همان نکته‌ای که صحبت شد. تلاش نصف و نیمه کاره حکومتی در خصوص آئین نوروز، فقط جنبه خیر مقدم به مسافران، همین!!! آن جنبه‌هایی که ذات مراتب نوروز را در خودش دارد می‌بینیم که اصلاً حضور ندارد و از بین رفته است. اگر شما از افراد سوال کنید در شهر شما چه اتفاقی برای نوروز می‌افتد هیچ اطلاعاتی ندارد که به ما بدهد و فقط به ایام تعطیلات نوروز اشاره می‌کند. مثلاً در شیراز دیده شده است که در یک مکان تاریخی غرفه‌هایی گذاشته شده بود و نهایتاً یک خیمه شب بازی هم آورده بودند که کامل هم نبود. به لحاظ فنی هم نگاه می‌کردیم فقط اینکه بگویند که ما یک نمایش عروسکی

هم آورده‌ایم. البته عرض کنم اگر همین امروز هم به این مسئله توجه کنیم و به آن بپردازیم، می‌بینیم آن نشانه‌های نوروز در شهر ما به حاجی فیروز که سر چهارراه‌ها گدایی می‌کند خلاصه می‌شود. الان در کوچه‌ها می‌آیند و با اکو یا بلندگو می‌خوانند چون درون اینها موسیقی، شعر، داستان و قصه است. اینها به‌طور خیلی غیرمرتبط و ناقص هست و تنها چیزی که می‌بینیم یک لباس پوشیده و خودشو سیاه کرده و وارد جامعه نوروز در شهر است. حالا حاجی فیروز را با بابانوئل شهرهای مدرن مقایسه کنید. بابانوئل هدیه می‌آورد در حالی که حاجی فیروز گدایی می‌کند. به فرزندم چه چیزی را می‌خواهم نشان دهم؟ نوروز این است. حاجی فیروز این است. فرزندم در کارتونها بابانوئل را به گونه دیگری دیده است و بابانوئل را با حاجی فیروز که بسیار متفاوت است مقایسه می‌کند. اگر ما بخواهیم به یک سری الزامات کالبدی و فرهنگی و اجتماعی برسیم، به نظر من الزامات فرهنگی و اجتماعی مقدم‌تر است یعنی ما باید برگردیم و شرایط فرهنگی دوباره را احیا کنیم و این را ما نداریم. مثل اینکه من بخواهم جایی را طراحی کنم و ندانم این برای چه کسی هست و الزام آن را ندانم چیست؟ بگوییم خوب اگر یک پذیرایی طراحی کنیم یا تالار طراحی می‌کنم مشخصاً برای تالار باید درهای بزرگ و متعدد وجود داشته باشد که ما این تعریف را نداریم. ما باید تلاش کنیم ابتدا کارهای پژوهشی زیادی انجام شود، باید این مراسم‌ها از حالت حکومتی به حالت مردمی تبدیل شود یعنی همین چند نفری که در کوچه‌ها می‌آیند و به‌طور خیلی زشت حاجی فیروز می‌شوند اگر بشود فضایی فراهم کرد یا خود حکومتی‌ها هم دخالت کنند و نمایش‌ها و آئین‌های اصیلی که داریم را بشناسانند مطمئناً تحولی هم در شکل کالبدی ایجاد می‌شود یعنی مکانی نیاز دارند و می‌بینیم که در مرحله اول به مشکل خوردیم. من فکر می‌کنم ما نیاز به این داریم آن چیزی که از دست دادیم باید پیدا کنیم.

محمودی: صحبتی که فرمودید یاد آن تیزرهایی که از شهرهای مختلف بندرعباس، شیراز، بوشهر و اصفهان برای ما ارسال کردند و با هم خواهیم دید که مراسم‌ها در این شهرها وجود دارد، که اگر حاجی فیروز بیاد مردم شادی می‌کنند و صحبت را ادامه می‌دهیم افتادم.

مهندس فروتن بفرمائید حاجی فیروز در شهرهای کوچک و در محلات قدیمی شادی آورده است؟ دکتر شالی فرمودند که حاجی فیروز اینجا گدایی می‌کنند. ما توقع نداریم حاجی فیروز هدیه بدهد چون جزء مراسم ما نیست. از نظر تاریخی در شهرهای کوچک که این مراسم در یک فضاهای خاصی در یک گذرهایی که خاطراتی دارد انجام می‌شود. گفته شد که طبیعت، سمبل‌های از طبیعت و سمبل‌هایی از نوروز در کوچه، گذر و میدان وجود دارد، حاجی فیروز می‌آید و مردم هم راضی هستند و شادی می‌کنند ولی در شهرهای بزرگ مثل تهران چنین چیزی نیست نظر شما را می‌شنویم.

فروتن: برای توضیح این مقوله من ناچار هستم به وجوه اشتراک جشن‌های بهاری در فلات ایران، در بین النهرین، در تمدن اژه‌ای اعم از ترکیه امروز و غرب ترکیه امروزی و مجموعه جزایر یونان اشاره کنیم. در تمام اینها می‌بینیم که در تمام جشن‌های نوروزی و جشن‌های فصل بهار نظام‌های پراچی و سلسله مراتبی و عمودی کاملاً افقی می‌شد و این همان جشن‌های خودجوشی است که شما می‌فرمائید. تا جایی که حتی در تمدن یونانی در آتن در روزی از سال بردگان با ارباب‌ها مقامشان برابر می‌شد و بردگان روی پل آتن می‌ایستادند و فحش‌نثار اربابان خود می‌کردند.

به هر حال آنچه که بدیهی است این است که مراسم شادی آور اصولاً غیر سلسله مراتبی است و مراسم مذهبی و مراسم دینی کاملاً سلسله مراتبی است. به این ترتیب است که هر چه بیشتر و پیش‌تر می‌رویم آئین‌های نوروزی کم‌رنگ‌تر می‌شود نظام سلسله مراتبی بسیار شدیدتر می‌شود و فاصله بین غنی و قشر ضعیف به شدت بیشتر می‌شود و آن گفت‌وگو و مفاهمه بین آنها صورت نمی‌گیرد. ضمن اینکه مراسم شادی آور کاملاً مردمی است و اصلاً ربطی به حکومت‌ها ندارد. خود مردم راه می‌اندازند، خود مردم خودجوش پیش می‌برند و اصلاً سلسله مراتب درونش مهم نیست. برای همین در تهران اگر بخواهیم بویی از نوروز ببریم، سراغ تجریش و بازارچه امامزاده صالح می‌رویم که به سنت‌ها نزدیکتر است. در راستای صحبت شما آقای دکتر محمودی چرا در شهرهای کوچک و روستاها این مراسم بهتر برگزار می‌شود. دقیقاً در روستاها نظام سلسله مراتبی آن چنانی وجود ندارد. اما در شهرهای بزرگ و در پایتخت این سیستم به شدت به نظام سلطه خودش ادامه می‌دهد و آن حکومت خودش را پابرجا حفظ می‌کند.

برای این ادعای خودم من یک مثال می‌زنم مهم‌ترین مولفه نمایشی نوروز شاید میر نوروز بوده است که در میرنوروزی یک نفر از مردم عادی و حتی ناشناس به عنوان شاه انتخاب می‌شود و می‌توانست فرمان دهد و فرمان شاه دیگه اثری نداشت و فرمان این فرد عادی اثر داشته است. شخصیت سیاه یک شخصیت مطالبه گر است نه یک شخصیت گدا، نه یک متکدی. از آن نظام سلسله مراتبی و از نظام قدرت مطالبه می‌کند در حالی که ما سیاه را به فلاکت کشانیدیم و الان محتاج ۵۰ تومان هست که سر چهارراه‌ها بگیرد که اصلاً اسم آن سیاه نیست. جایگاهی که سیاه در فرهنگ نوروزی دارد ما بسیار بالاتر از آن بابائوئلی است که در غرب وجود دارد. سیاه ما یک شخصیت کاملاً کنش گر و مطالبه گر و مردمی هست که در غرب ما چنین چیزی را نمی‌بینیم. در مورد نظام شهری که آقای دکتر شالی فرمودند که در شهرستان‌های مختلف کارهایی می‌کنند که بسیار بی سلیقه هست و اگر انجام نشود بهتر است. طبیعت را به حال خودش بگذارند و زیبایی خودش را به رخ بکشند. توجه کنیم در جهان امروز یک سری مشاغل جدید به وجود آمده است مثل مدیر هنری که شهرداری‌ها و تمام شرکت‌ها و کمپانی‌ها مدیر هنری دارند. صنعت تجربه به وجود آمده که اصلاً یک صنعت گسترده هست که تجربه‌های گران بها را در اختیار صاحبان مشاغل قرار می‌دهند، صنعت رویداد (event) به وجود آمده است که ما در ایران اینها را نمی‌بینیم و هر کسی استاندار و فرماندار می‌شود بدون اینکه سطح سلیقه و تحصیلات هنری داشته باشد وارد حوزه تزئینات شهری و زیباسازی می‌شود که این تشتت را می‌بینیم.

محمودی: در ادامه این برنامه تعدادی از تیزرهایی که دوستان از شهرهای مختلف ارسال کردند را با هم می‌بینیم که البته از این برنامه‌ها تعداد عکس را برای شما می‌گذاریم.











آقای مهندس فروتن فرمودید از نظر سلسله مراتب خودجوش نیست. باز هم سوال من این است که در فضاهای قدیمی واقعاً مشارکت بسیار قوی هست، شما هم اشاره کردید در شهرهای بزرگ و فضای جدید اصلاً مشارکتی نیست. یعنی فقط مخاطب برنامه تماشا می‌کند و به او گفته شده کجا باید بنشینند. این باعث نمی‌شود کم کم نوروزمان آن سنت اصلی‌اش و مراسم‌ها را از دست بدهد و فقط آن هفت سین بماند. شاید هم کم کم شکل و قیافه هفت سین هم تغییر کند. آقای مهندس فروتن شما بحث را ادامه دهید.

فروتن: دقیقاً داستان همین جاست، ما اصولاً اگر مراسم شهری عید و نوروز را به نوعی یک رویداد بدانیم، یک از مولفه‌های اصلی هر رویداد تعامل است، تعامل بین شرکت کنندگان آن رویداد و مجریان رویداد است. در واقع شرکت کنندگان و یا مشتریان این رویداد را به یک سری شرکت کنندگان منفعل تبدیل کردیم و فقط تلاشمان این است فارغ از سلیقه، مخاطب شناسی یا هر چیز دیگر در این رویدادی که درست کردیم غوطه ور کنیم که در نهایت این غوطه وری به صورت یک تجربه بسیار نازیب، ناکافی، ناقص و ابتر باقی می‌ماند و هیچ لذتی را هم بر نمی‌انگیزد. توجه کنیم خیلی از رویدادها و بسیاری از مراسم شادی آور با موسیقی، رقص و ترانه، داستان گویی عجیب شده است و ما همه اینها را حذف کردیم، در نتیجه چیزی که باقی می‌ماند یک تخم مرغ بزرگ رنگ شده است که وسط پارک ملت می‌گذاریم و اسم آن را فضا سازی شهری می‌گذاریم.

محمودی: آقای دکتر شالی شما هم همین دیدگاه را دارید که در فضاهای قدیمی مشارکت بیشتر بوده است؟ این را که همه ما اعتقاد داریم، ولی در فضای جدید یک مقدار کلیشه‌ای شده است. دیکته شده آمده و تعیین می‌کند چه کسی کجا بنشیند و چه کسی مراسم را انجام دهد. آیا این باعث نمی‌شود مراسم‌هایمان کم کم تغییر شکل دهند؟

شالی: من می‌خواهم از یک جنبه دیگر وارد بحث شوم. ما اگر به دوره‌ها و حکومت قبلی هم نگاه کنیم می‌بینیم آن توجه به همان فضاهایی که برای مراسم آئینی و مذهبی در نظر گرفته شده بیشتر از آئین‌های شادی آور است یعنی ما عملاً فضاهایی شادی آور اختصاصی طراحی نشده است. از ابتدا هم همین‌طور بوده است. بحث تکیه دولت کاملاً مشخصاً با هدف خاص، طبق دیدگاه‌هایی که وجود داشت و برنامه‌هایی بلندمدت برای تعزیه داشتند تأسیس شد و مشخصاً جایگاه‌ها و نوع قرارگیری معماری و نوع طراحی همه اینها نشان می‌دهد تعزیه رو به پیش رفت است و اجرا کننده‌ها یا شبیه خوانان یا کارگردان و مسئول تیم و تماشاگرانی که مشارکت می‌کردند، آن فضای مشارکتی که قبلاً هم عرض کردم و در آن فضا و مکان می‌بینیم. نمونه‌های خارجی هم در انگلیس و یا در جاهای دیگر هم هست، تئاتر کلوپ یک بخشی از همین نشانه‌ها است. منتهی آن چیزی که در نوروز دنبالش هستیم بخشی عمده اش فضای شاد است. این ایجاد شادی، رنگ های خوب، موسیقی خوب، همه اینها نشان می‌دهد در زندگی شهری از اینها دور شدیم. الان به طور مثال همین رسانه ما (تلویزیون) را توجه بفرمائید. می‌بینید برای قبل از نوروز چه برنامه‌ایی دارد؟ شما یک برنامه پیدا کنید که ب برای بچه‌های ما توضیح دهد که نوروز چیست، تاریخچه آن را بگوید، ریشه یابی کند. چنین چیزهایی اصلاً وجود ندارد. آنها فقط همان لحظه سال تحویل گرامی می‌دارند و یک مراسمی و یک سری سرپال برای تفریح مردم داشته باشند. آن چیزی که ما در دنیای امروز با آن مواجه هستیم همین رسانه‌های مجازی و فضاهایی که ایجاد شده است، خود تلویزیون، خود رادیو همه اینها کنار هم باز نتوانسته است آن خلا را پر کند. یعنی اگر ما به دنبال این باشیم که فضای شهری را به سوی فضای شاد پیش ببریم فقط به رنگ کردن در و دیوار خلاصه نمی‌شود. به اینکه فضای پارک‌ها و بوستان‌ها، میدان‌گاه‌هایی که ما در نظر بگیریم مثلاً میدان حسن آبادی که در تهران داریم یکسال شهرداری بیاید و آنجا یک مراسمی داشته باشد و بخواهد از هنرمندان و نویسندگان دعوت کند. کسانی که کار موسیقی می‌کنند و یک آئین باشکوه نوروز را آنجا برگزار کند. این شدنی نیست. روز اول عید و ایام عید، تهران خلوت است و خیلی اتفاق‌های خوب می‌تواند بیفتد. مثلاً در شهر قزوین فضاهای سنتی مثل بازار سعدالسلطنه، کاروان سرای سعدالسلطنه، بازار وزیر سال‌ها در میراث فرهنگی مانده بود و هیچ کاری نمی‌کرد. شهرداری این مکان‌ها را تحویل گرفت و بازسازی کرد و فقط در ایام نوروز باز است. یک خلایقیت هم به خرج دادند و محصولات فرهنگی که متناسب با فضای نوروز است آوردند و غرفه بندی کردند و از سراسر کشور می‌آیند و محصولات خودشان را ارائه می‌دهند. شربنی‌های قزوین، سمنو قزوین و... چیزهایی که مرتبط با نوروز هست به فروش می‌رسد و یک سری عروسک‌های خیلی بزرگ مثل ننه سرما و... می‌خواهند نشان دهند که بهار رسیده است، حالا برای من میزبان میهمانی

می آید و می‌خواهم ببرم شهر را به او نشان بدهم، فقط می‌توانم همان سعدالسطنه ببرم و تنها کاروان سرای درون شهری ایران که بی نظیر هست. که تمام اینها به همان ۱۲ روز اختصاص پیدا می‌کند. اما در فضای مدرن شهری ما می‌بینیم از این مسائل خبری نیست یعنی باز ما به آئین‌هایی که احساس می‌کنیم در آن فضاها می‌توانیم به آنها برسیم رجوع می‌کنیم.

محمودی: پایان بحث‌مان هستیم و تقریباً پایان وقت هست در مورد شادی‌ها گفتید که خیلی رنگ و روی خوبی ندارد و خیلی کوتاه است و فقط در نوروز می‌توانیم ببینیم. در صورتی که در ابتدای صحبت‌ها اشاره شد می‌توانست نوروز ادامه پیدا کند و تا ۱۳ به در نباشد و بیشتر از این مراسم‌های دیگر هم داشتیم.

صحبت را ادامه می‌دهیم با آقای دکتر بندرآباد به هر حال همه شما اعتقاد داشتید مراسم نوروز باعث شده اقشار مختلف جامعه فضاهای شهری بیایند و شاد باشند و این شادی لااقل تا ۱۳ فروردین ادامه یابد. حالا رنگ و بوی کمی تغییر می‌کند و در فضای شهری می‌بینید اقشار مختلف جامعه با یک آرامش با یک شادی، با یک تمیزی از نظر لباس، رفتار در شهر آمدن و در محله‌ها حضور دارند. آقای دکتر به عنوان صحبت پایانی پیشنهادی برای بهبود این فضاها دارید؟ با توجه به برنامه‌هایی که عزیزان از شهرهای مختلف برای ما ارسال کردند و دیدیم مراسم ما در گذشته خیلی خوب بود و رونق داشت. شما پیشنهادی دارید برای اینکه اینها بهتر شوند خصوصاً با اشاره‌ای که داشتید در معماری و شهرسازی معاصر این خدشه دار شده است. در خدمت شما هستیم.

بندرآباد: ما در شهرسازی دوران معاصر با دو پارادایم در شهرسازی مواجه هستیم، پارادایم اول مربوط به نیمه اول قرن بیستم که پارادایم شهرسازی مدرن هست و شامل شهرسازی مدرن با مدرن شدن آنچه در شهرها اتفاق افتاد و خصوصاً اتومبیل و حمل و نقل شهری باعث دگرگونی فضای شهری شد و این علی‌رغم مدرن سازی فضای شهری منجر به یک پدیده‌ای تحت عنوان افت کیفیت زندگی در شهرها شد که از نیمه دوم قرن بیستم به بعد که حدود دهه ۱۹۶۰ می‌شود ما درون پارادایم جدید دیگری تحت عنوان پارادایم پسامدرنی شهرسازی هستیم. حالا این پارادایم پسامدرن شهرسازی چیست؟ به صورت خلاصه ما باید کاری کنیم که افت کیفیت زندگی ناشی از حضور مدرنیستیم در فضای شهری را جبران کنیم. با چه چیزی؟ با افزایش کیفیت زندگی.

حالا برای افزایش کیفیت زندگی چه باید کنیم؟ تئوری‌های مختلفی آمده است یکی می‌گوید به سمت پایداری برویم، یکی می‌گوید به سمت شهر خلاق برویم، یکی می‌گوید به سمت شهر زیست‌پذیر برویم، یکی می‌گوید خود بحث کیفیت زندگی را بررسی کنیم، یکی می‌گوید مفهوم منظر شهری را ارتقاء دهیم اما همه اینها در نهایت یک هدف دارند و آن هدف جلوگیری از اثرات ناخوشایند زندگی مدرن شهری است. حالا ما وارد پارادایم سومی شدیم که این پارادایم سوم می‌تواند علی‌رغم امکانات خوبی که برای ما فراهم می‌کند، جلوگیری کند. برای اینکه به پارادایم دوم برسیم که همان کاهش اثرات ناخوشایند درون مدرنیسم بود، پارادایم سوم بحث شبکه‌های اجتماعی و حضور مجازی یعنی وجود مسئله IT با فناوری ارتباطات است. این فناوری اطلاعات مثل یک شمشیر دو لایه عمل می‌کند و کاری که الان می‌کند افراد را تشویق می‌کند که خودشان را در فضای عمومی تلقی کنند. در حالی در فضای خصوصی یا در خانه و یا محل کارشان نشسته‌اند و این گونه درون جامعه و اجتماع شرکت کنند. چنین چیزی اگر هدایت نشود به سمت فضای عمومی و به سمتی که انتظار داشتیم نمی‌تواند ما را ببرد. در پارادایم دوم اگر بخواهیم نگاه کنیم مانع عمده شکل‌گیری فضاهای گسترده شهری در طول تاریخ در ایران که به جز قسمتی از صفویه و مکتب اصفهان ما دوتا مانع عمده داریم. یک مانع بحث اقلیم بوده است مثلاً در شهرهای کویری مثل طبس یزد ناچار بودیم گذرها را به گونه‌ای بسازیم که از آسیب اقلیم‌ها در امان باشیم و دیگری بحث فرهنگ درون‌گرایی بود که همیشه در جامعه داشتیم. فرهنگ درون‌گرایی باعث می‌شد جاهایی که از فضای شهری ساپورت اجتماعی و فرهنگی نمی‌شود، این فضای شهری رنگ بیازد و کم رنگ و کم رنگ‌تر شود. حالا اگر بخواهیم این معضل را جبران کنیم. باید پا را از کالبد فضای شهری فراتر بگذاریم. بحث کالبدی لازمه این قضیه است. منتهی کافی نیست. لازمه این قضیه از این جهت که ما به عنوان انسان یک کالبد، یک محدوده دید و یک قد و قواره‌ای داریم که براساس این می‌توانیم حضور دیگران را درک کنیم که در حوزه شهرسازی به آن محدوده اجتماعی دید هم می‌گویند. محدوده اجتماعی دید انسان از ۱۰۰ متری شروع می‌شود یعنی اینکه شما از فاصله صد متری می‌تواند شخص را تشخیص دهید. چه لباسی پوشیده است، زن هست یا مرد و هر چه از ۱۰۰ متر

به شما نزدیک تر می شود، شما می توانید جزئیات بیشتری از فرد داشته باشید و درک کنید و فاصله خیلی نزدیک تر شد تعاملات اجتماعی شروع می شود. به همین دلیل است ضلع های فضاهای شهری در محدوده اجتماعی دید قرار می گیرد یعنی از صد متر به پایین هست که می توانید فضاهای شهری مناسبی برای این تعاملات باشد اما کافی نیستند و این مستلزم این است که لایه های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی قضیه بیاید. من بحث را طولانی نمی کنم چون زمان برنامه محدود است و فقط با یک مثال کوچک بحثم را به اتمام می رسانم.

مثال: میدان امام علی اصفهان بر بستر میدان کهنه اصفهان بنا شد و در واقع به نوعی خواستند مدیریت شهری آنجا را با زنده سازی کنند و بعضاً به گونه ای آن میدان کهنه را باز آفرینی کنند و در تعامل با نقش جهان آن را به وجود بیاورند. اما اگر در یک روز عادی شما در میدان امام علی بروید اصلاً آن جنب و جوش و طراوات، نشاط را در این میدان نمی بینید و همان لحظه و همان ساعت در بازار قیصره و ادامه اش که به میدان نقش جهان می رسد این را می بینیم. دلیل این است در آن طراحی که شده است صرفاً کالبد را در نظر گرفته و لایحه های اجتماعی و فرهنگی را در نظر نگرفتند. به همین خاطر مدیریت شهری همیشه تلاش می کند و به عبارتی بگوییم زور می زند تا با یک سری مراسم ها که خودش در نظر می گیرد به نوعی آن میدان را فعال نگه دارد. برای آنجا و آن تعاملات میدان نقش جهان را آنجا اصلاً نمی بینیم. بنابراین اگر بخواهیم جمع بندی و خلاصه کنیم اگر بخواهیم این اتفاق که هدف پارادایم دوم بود بیفتد لازم هست در ساخت و طراحی فضاهای شهرومان و یا تجویز فضاهای شهری فعلی حتی به عنوان مبلمان شهری، ویژگی های یک قرارگاه رفتاری خوب را فراهم کنیم. ویژگی های یک قرارگاه رفتاری خوب هماهنگ کردن ظرف با مظلوفش است و به عبارتی تقویت ویژگی ظرف هست که بتواند مظلوف را درون خودش نگه دارد و آن ویژگی ها لایه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امثال آن می شود.

محمودی: آقای دکتر چقدر خوب گفتید که فضاها فقط کالبد نیست و تنها جواب نمی دهد و نمونه های خوب و بد را اشاره کردید و نمونه هایی که اخیراً ما انجام دادیم و فقط به کالبد رسیدیم و بحث ها فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی که اشاره کردید که فراموش شده و آن فضاها فعال نبوده است. مثال خوبی زدید که هر دو لازم و ملزوم هستند و با هم باید دیده شوند. نشست بسیار خوبی بود. این نشست آخرین نشست امسال بود. تقاضا می کنم در ادامه برنامه فیلم هایی که دوستان برای ما ارسال کردند که درباره فضای شهری چه صحبت هایی شده است را تماشا بفرمائید. یک روز قبل از نوروز و این برنامه هم از آپارات، اینستاگرام، مجله ایوان و هم از تلگرام اندیشکده هرم پی پخش می شود و آخرین نشست در سال ۹۹ بود و پیشاپیش سال نو را تبریک می گویم. منتظر شما در سال جدید هستیم و اولین نشست که در سال جدید در خدمت شما بزرگواران با موضوع جایگاه نوروز در فضاهای مسکونی که در داخل خانه ها یا مجتمع های مسکونی هستیم تا ببینیم نوروز را ایرانی ها چگونه جشن می گرفتند.

تشکر از شما